



● تروریسم هسته ای

تهدیدی علیه صلح و امنیت بین المللی تروریسم پدیده ای است که قرنهای پیکره خود را در عرصه جهان گسترده است و به جهت خصوصیت بارزی که دارد اغلب در اشکالی کاملاً غیرمنتظره رخ می دهد. با آنکه در دوران ما درباره این پدیده دهشتناک بسیار سخن گفته می شود، اما کمتر شناختی از آن وجود دارد. تاریخ آکنده از اقدامات تروریستی است که جان بی گناهان بی شماری را گرفته یا زندگی آنها را به خطر انداخته است. افراد بشر را از حقوق و آزادیهای اساسی خود محروم ساخته، مناسبات دوستانه میان دولتها را در معرض خطر قرار داده و تمامیت ارضی و امنیت دولتها را به مخاطره افکنده است. تروریسم اغلب متضمن حمله به قربانیانی بوده که در ایجاد

بر فرآیند کیفری برهم زندگان نظم و امنیت بین المللی حاکم است.

امروزه به دنبال روابط میان کشورها همکاری مسالمت آمیز میان آنان بیش از پیش به آئین و اصول مشترکی نیازمند شده به گونه ای که جامعه بین المللی مانند جامعه داخلی کشورها مقرراتی را برای برقراری نظم در عرصه جهانی پذیرفته است. از این رو، نقض شماری از این مقررات امروزه به دلیل ایجاد امنیت در زندگی بین المللی جرم تلقی شده و مرتکبان آن با توجه به تشکیل دیوان بین المللی کیفری تحت تعقیب و محاکمه قرار می گیرند. بنابراین، این شاخه از حقوق بین الملل عمومی به دنبال نظم، امنیت و آرامش در جامعه بین الملل است.

شایان ذکر است که حقوق بین الملل کیفری با حقوق کیفری بین الملل متفاوت است. بدین صورت که حقوق کیفری بین الملل - که به آن حقوق جزای بین الملل نیز گویند - شامل آن دسته از مقرراتی است که بر بزهکاریهایی که عنصری خارجی در آن نقش دارد حاکم می باشند. به دیگر سخن، این رشته که شاخه ای از حقوق کیفری است از چگونگی اجرای مقررات کیفری (اعم از شکلی و ماهوی) نسبت به جرائمی که در آنها عنصری برون مرزی وجود دارد، سخن می گوید.

به هر حال، امروزه حقوق بین الملل کیفری از یکسو به دلیل ارتکاب روزافزون بزهکاریهای بین المللی و از سوی دیگر به دلیل تصویب اسناد متعدد بین المللی و تشکیل دیوان بین المللی دادگستری روزبه روز در حال تحول و تکوین است - به گونه ای که حتی در برخی از دانشگاهها عنوان گرایش مستقلی از رشته حقوق کیفری را در دوره دکتری به خود اختصاص داده است - اما در ایران این شاخه از حقوق در دوره های کارشناسی ارشد و دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی فقط به صورت دو واحد درسی ارائه می گردد، که با توجه به اهمیت این رشته، توانمندی استادان و علاقمندی دانشجویان می توان نسبت به تأسیس گرایش «حقوق بین الملل کیفری» در دوره های کارشناسی ارشد و حتی دکتری اقدام نمود.

عملی به خود نگرفت. پس از تاسیس سازمان ملل متحد، این سازمان تلاش خود را در این زمینه ادامه داد اما رهیافت متفاوتی را نسبت به موضوع تروریسم در پیش گرفت. این رهیافت، رهیافت «تعریف موردی» از تروریسم بود. یعنی کنوانسیونهای متعدد به جای اینکه تعریف جامع و مانعی از این پدیده ارائه دهند، بسته به شرایط زمانی و مکانی تروریسم را مورد شناخت قرار دادند. اما بطور کلی دو نوع تعریف از این مفهوم می توان بدست آورد. یکی تعریفی که کارشناسان تروریسم ارائه می دهند. همانند این تعریف که اگر اقداماتی همانند حمله عمومی به غیر نظامیان، گروگانگیری و کشتن اسرا در زمان جنگ، جرم جنگی تلقی می شود وقوع همین جرائم در زمان صلح را می توان تروریسم تلقی کرد. دوم تعریفی است که از سوی مجامع بین المللی در این زمینه صورت گرفته است که شامل سه تعریف جالب در این زمینه می باشد:

الف) همان تعریف ارائه شده توسط جامعه ملل در سال ۱۹۳۷؛

ب) تعریفی که قطعنامه ۵۱/ ۲۱۰ مجمع عمومی در مورد روشهای ریشه کنی تروریسم بین المللی دارد؛

ج) تعریف کمیته تدوین کننده اساسنامه دیوان بین المللی کیفری از جرم تروریسم، که جامع ترین و دقیق ترین تعریفی است که تا کنون از تروریسم به مثابه یک جرم به عمل آمده است. اما این تعریف به جهت مخالفت برخی دولتها با آن از نسخه نهایی اساسنامه دیوان حذف شده است.

هیأت عالی رتبه منتخب دبیر کل سازمان ملل در رابطه با تروریسم و هدایت یکپارچه مبارزه جهانی علیه همه اشکال این پدیده، ضمن بزرگ نمائی آن، به ضرورت اولیه «تعریف مشترک» از تروریسم پی برده است. گزارش با تاکید بر عناصر و مفاد کنوانسیون های بین المللی (از جمله پروتکل ژنو)، اصول حقوق بین الملل و قطعنامه ۱۵۶۶ شورای امنیت در سال ۲۰۰۴ میلادی تعریفی هنجاری از تروریسم را پیشنهاد کرده است:

تروریسم به هرگونه عملی اطلاق می شود که قصد آن قتل یا جرح غیر نظامیان و یا افراد غیر رزمنده باشد، به شرطی که هدف چنین اقدامی به لحاظ ماهیتی و یا شرایط حاکم بر آن،

شرایطی که ظاهراً محرک یا توجیه کننده خشونت تروریستی بوده است، هیچ گونه نقش یا مسئولیتی نداشته اند. آنچه تروریسم دوران ما را از گذشته متمایز می سازد این است که امروزه این پدیده همه ملت ها و مناطق را آلوده کرده و از حفره های ستیز داخلی به سیاست جهانی سرازیر کرده است. در عصر ما تروریسم از تهدیدی ملی به تهدیدی فراملی مبدل گشته است. در عصر جهانی شدن و فناوری های پیشرفته، اقدامات تروریستی دیگر محصور در مرزهای ملی یا منطقه ای نمی ماند.

اما تروریسم چیست؟ این پدیده خشونت بار چه مفهومی دارد و شامل چه نوع اقداماتی است؟ باید اظهار داشت واژه تروریسم که از زبان فرانسوی به زبان فارسی راه یافته است، از ریشه لاتین Terror به معنی «احساس ترس» است. در لغت فرانسوی «ترور» در ابتدا ترس یا نگرانی شدید که اغلب از تهدید مبهم و نامأنوس و غیرقابل پیش بینی ناشی می گردد، تعریف کرده اند. داریوش آشوری در معنی ترور می نویسد: «ترور در لغت فرانسه به معنی هراس و هراس افکنی است. در سیاست به کارهای خشونت آمیز و غیرقانونی حکومت ها برای سرکوبی مخالفان خود و ترساندن آنها ترور گویند. ترورگری سرشت حکومت هایی است که با بازداشت و شکنجه و اعدام و انواع آزارهای غیرقانونی از راه پلیس مخفی، مخالفان را سرکوب می کنند و می هراسانند و یا روش دسته های راست یا چپی است که برای برافکندن یا هراساندن دولت، به آدم کشی و آدم دزدی و خرابکاری دست می زنند. ترور به معنای کشتار سیاسی بکار می رود و کسانی را که به کشتار سیاسی دست بزنند ترورگر (تروریست) می خوانند.» صورتهایی از «ترور» که در تعابیر مذکور آمده، برگرفته از اوضاع و احوال سیاسی یکصدسال پایانی سده ۱۹ کشور فرانسه است. معذالک از لحاظ تاریخی اولین تلاش برای تعریف مفهوم تروریسم در سال ۱۹۳۷ از سوی جامعه ملل و با تهیه قطعنامه هایی در این خصوص بعمل آمد. بر اساس کنوانسیونهای جامعه ملل، تمامی اقدامات جنایی که یک دولت را هدف قرار داده باشد و هدف آن ایجاد حالت رعب و وحشت در اذهان اشخاص و گروهی از افراد و یا عامه مردم باشد تروریسم تلقی می شود. اما این کنوانسیونها هرگز شکل



در مقابل، عده ای دیگر از نویسندگان اعتقاد دارند که وسیله ایجاد رعب و وحشت نیز مهم و در تحقق ماهیت عمل تروریستی موثر است. بنابراین در ارزیابی عمل تروریستی نباید صرفاً به نتیجه عمل که ایجاد رعب و وحشت است توجه نمود، بلکه ماهیت وسیله ایجاد کننده رعب و وحشت را نیز باید مدنظر قرار داد.

با این حال با عنایت به ویرانهایی که یک جنگ هسته ای ممکن است برای بشریت به بار آورد و در نتیجه لزوم مجاهدت همه جانبه در دفع خطر چنین جنگی و اقدام در راه حفظ امنیت مردم و با ايقان به اینکه گسترش سلاح های هسته ای خطر جنگ هسته ای را شدیداً افزایش خواهد داد، می توان گفت که این گونه سلاحها در جهت ایجاد و فراهم نمودن تروریسم هسته ای تاثیر بسزایی خواهد داشت که بی تردید موجبات ناامنی را در سطح نظام بین المللی فراهم خواهد نمود.

سابقه طرح مساله ضرورت پیشگیری از تروریسم هسته ای در عرصه بین المللی به سالهای پایانی دهه ۱۹۶۰ بر می گردد. در این تاریخ و سالهای پس از آن یک سلسله وقایعی در جهان اتفاق می افتد که در نتیجه آن ضرورت اتخاذ اقدامات بین المللی جهت مبارزه با تروریسم هسته ای در محافل بین-المللی مطرح می شود.

در سال ۱۹۶۷ فرمانده نظامی استان «سین کیانگ» چین، در پی وقوع اختلاف سیاسی با دولت مرکزی چین، تهدید می کند که پایگاه هسته ای در آن استان را اشغال و نابود خواهد کرد. در مارس ۱۹۷۳ نیز یک گروه تروریستی مسلح نیروگاه هسته ای «آتوشاه» در آرژانتین را مورد حمله قرار داده و اشغال می کنند و این حوادث و حوادث مشابه آن نظر دولتها و محافل بین المللی را به خود جلب کرده و ضرورت پیشگیری و برخورد با تروریسم هسته ای را مطرح ساخت. در سال ۱۹۷۲ سخنگوی اتحاد جماهیر شوروی در سازمان ملل متحد در این خصوص اظهار داشت: «تروریست های مدرن اسلحه های پیشرفته و بمب را ترجیح می دهند و کاملاً محتمل است که آنها میکروپ های حامل مرگ یا شاید بمب های اتمی مسروقه را در اختیار داشته باشند و آنها با کمک این بمب ها از هر دولتی که بخواهند باج خواهند گرفت».

ارعاب مردم و یا وادار کردن یک دولت و یا یک سازمان بین المللی به انجام یک عمل و یا اجتناب از انجام آن عمل باشد.

معدالک یا عنایت به توضیحات فوق باید اظهار داشت که تروریسم نیز دارای انواعی است که هر کدام از آنها شامل یک سری از اقدامات ضد بشری است که موجبات مخاطره را در سطح جهان فراهم می کند. اما یکی از انواع آن «تروریسم هسته ای» است که با روند رو به رشد تکنولوژی و فناوریهای هسته ای، اینگونه از تروریسم نیز درجهان به چشم می خورد، که در خدمت پیشبرد اهداف ضد امنیتی و ایجاد رعب و وحشت توسط گروه های تروریستی می باشد.

یکی از موضوعات بسیار مهم وچالش برانگیز دنیای امروز که در قرن حاضر در حقوق بین الملل کیفری مطرح شده، بحث "تروریسم هسته ای" است. با عنایت به این که تروریسم و اقدامات تروریستی در دنیای غرب بسیار به چشم می خورد و همچنین پیشرفت و دستیابی به آخرین فناوری های روز در جهت هر چه بیشتر رسیدن به اینگونه اهداف ضد بشری، تروریسم هسته ای نیز در جهت و راستای آن نیز به وجود آمده است.

مع الوصف تروریسم هسته ای از خود تروریسم به طور کلی، به لحاظ ماهوی زیاد دور نمی باشد. تروریسم هسته ای در واقع رعب و وحشتی است که به واسطه یک ماده یا وسیله ای هسته ای بوجود می آید. بعنوان نمونه اگر یک فرد یا گروه تروریستی از مواد یا وسایل هسته ای در جهت ایجاد رعب و وحشت در میان عموم و به منظور دست یافتن به اهداف سیاسی استفاده نماید، در اینجا می توان گفت که تروریسم هسته ای محقق شده است. البته شایان ذکر است که برخی از نویسندگان با بکار بردن واژه ای مستقل به نام تروریسم هسته - ای مخالفند و معتقدند که تروریسم مفهوم و عملی مستقل بوده و صرفاً یکی از مظاهر و اشکال تروریسم محسوب می شود و اساساً نیازی به بررسی و قانونمند کردن مستقل این پدیده نمی باشد. آنها معتقدند که در تحقق تروریسم آنچه که مهم است ایجاد رعب و وحشت جهت حصول به اهداف سیاسی است و وسیله ایجاد این رعب و وحشت زیاد اهمیت ندارد.

یکی دیگر از اقدامات بین المللی که آژانس در خصوص پیشگیری و مجازات تروریسم هسته ای انجام داده است، تهیه و تدوین «کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته ای» می باشد. این کنوانسیون در سال ۱۹۸۰ برای امضا و تصویب دولتها آماده شد و در فوریه سال ۱۹۸۷ لازم الاجرا گردید و هم اکنون حدود ۶۰ دولت عضو آن به شمار می آیند. در حال حاضر کنوانسیون ۱۹۸۰ تنها سند بین المللی الزام آور است که مسأله پیشگیری و مجازات برخی از اعمال موجب تروریسم هسته ای را مورد توجه قرار داده است و مسؤولیت کیفری ناشی از این عمل تحت مجازات و تعقیبات قانونی خاص خود قرار می گیرد.

از اوایل دهه ۱۹۷۰ که سازمان ملل متحد مساله تروریسم را در دستور کار خود قرار داده تاکنون این مجمع قطعنامه - های متعددی در خصوص محکومیت تروریسم و ضرورت پیشگیری و مبارزه با آن تصویب کرده است. البته باید اذعان داشت، مساله ضرورت مبارزه با تروریسم هسته ای بطور خاصی در سال ۱۹۹۶ در دستور کار سازمان ملل متحد قرار گرفت. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۷ دسامبر ۱۹۹۶ قطعنامه ۵۱/۲۱۰ خود را تصویب کرد و بر اساس آن کمیته ویژه ای را تشکیل داد تا پیش نویس دو کنوانسیون را در زمینه «بمب گذاریهای تروریستی» و «تروریسم هسته ای» تهیه و تدوین نماید. کمیته ویژه بلافاصله کار خود را شروع کرد و اولین کار خود را تحت عنوان «پیش نویس کنوانسیون بین المللی سرکوب بمبگذاریهای تروریستی» در پائیز ۱۹۹۷ جهت تأیید به مجمع عمومی تسلیم و مجمع عمومی در دسامبر سال ۱۹۹۷ آن را تصویب نمود.

پس از آن کمیته دومین کار خود را در زمینه تروریسم هسته ای شروع کرد که دولت فدراتیو روسیه در این زمینه پیش قدم شده و پیش نویس خود را تحت عنوان «کنوانسیون سرکوب اعمال تروریستی هسته ای» جهت بررسی به کمیته ای ویژه ارائه داد. کمیته نیز پس از تغییر و اصلاحیه های لازم پیش نویس جدیدی را تهیه کرد. در سپتامبر ۲۰۰۵ این اقدامات نتیجه داده و پیش نویس در اصلاحات پیشنهادی دبیر کل سازمان ملل (کوفی عنان) در قالب یک کنوانسیون برای تصویب به کشورها پیشنهاد شده است.

در پی چنین وقایع و اظهاراتی، برخی از محافل بین المللی، از جمله «آژانس بین المللی انرژی اتمی» ضرورت پیشگیری و مبارزه با تروریسم هسته ای را در دستور کار خود قرار داد. و متعاقباً یک سلسله مقررات و دستورالعمل هایی را تهیه و تدوین کرد. مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز، هر چند که مساله ضرورت پیشگیری و مبارزه با تروریسم هسته ای را مستقیماً و بطور مستقل در دستور کار خود قرار نداد لیکن در لابه لای مباحث مربوط به تروریسم که بطور کلی در دستور کار خود قرار داده بود به بحث و بررسی آن پرداخت. بدنبال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و نوعی هرج و مرج در جمهوری های سابق آن و به تبع آن جابجایی غیرقانونی برخی از مواد و ادوات هسته ای، مساله تروریسم هسته ای و ضرورت برخورد و مبارزه با آن، یکبار دیگر بصورت جدی مطرح شد.

آژانس بین المللی انرژی اتمی، این بار نیز همچون قبل، مساله را، که برای مدتی موضوعیت و اهمیت خود را تقریباً از دست داده بود، در دستور کار قرار داد و اقداماتی را برای مبارزه با جابجایی غیرقانونی مواد هسته ای به کار بست. در کنار آژانس، نهادهای بین المللی دیگری نیز این مساله را مورد بررسی قرار داده و تدابیری را برای مقابله با آن اتخاذ نموده اند.

در سال ۱۹۶۸ معاهده ای تحت عنوان «معاهده منع گسترش سلاحهای هسته ای» (ان پی تی) منعقد شد. هر چند که هدف اصلی مقررات مندرج در معاهده مذکور جلوگیری از اشاعه سلاحهای هسته ای به کشورهای غیردارنده سلاحهای هسته ای بوده و جلوگیری از تروریسم هسته ای مورد توجه اصلی نبوده است، با این وجود، تدابیر پیش بینی شده در آنها به پیشگیری از وقوع تروریسم هسته ای نیز کمک خواهد کرد. در سال ۱۹۷۲، دبیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی گروهی از متخصصان را مامور کرد تا در خصوص حفاظت فیزیکی در مواد هسته ای توصیه هایی را تهیه و تدوین نمایند. این گروه توصیه ها را تهیه و به آژانس تسلیم نمود. در سال ۱۹۷۵، توصیه نامه ها مورد تجدید نظر واقع شدند و بصورت سند ۲۲۵ منتشر شدند. این اسناد چهار بار مورد تجدید نظر قرار گرفت که آخرین آن در سال ۱۹۹۹ بود.